

سهم و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران

زمین، دهقان و برکت

مادر پیر تولید

به ادعای کارشناسان اقتصاد کشاورزی، بخش کشاورزی ایران با اتکا به رقمی کمتر از ۴۰ درصد ظرفیت خود مشغول به فعالیت است. راندهان آبیاری زراعی نیز در کشور ما رقمی کمتر از ۲۰ درصد است و این مسایل در کنار جاذبه‌های شهری و افزایش روند مهاجرت روستاییان به شهرها - حتی به قیمت روی آوری به مشاغل کاذب - بسیاری از پتانسیل‌های بخش کشاورزی ایران را به خصوص در سال‌های اخیر، دستخوش زوال کرده است.

با توجه به مادر بودن کشاورزی در کشور، باید گفت روند صعودی انتقال نیروی کار از بخش روستا به شهر و از کشاورزی به صنعت، نه تنها نیاز امروز اقتصاد کشور نیست، بلکه باعث ایجاد خلأی قابل توجه در بخش پر توان کشاورزی شده است. نگاه کنید به قوانین برنامه چهارم توسعه کشور! طبق بخش دوم بند ج ماده ۱۰ برنامه چهارم توسعه، تأکید شده رقمی معادل ۲۵ درصد از تسهیلات اعطایی بانک‌ها باید به بخش کشاورزی پرداخت شود. همچنین طبق بند ه ماده یک برنامه چهارم توسعه، حداقل باید ۱۰ درصد از منابع حساب ذخیره ارزی به صورت ریالی و یا ارزی، برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در اختیار بانک کشاورزی قرار گیرد. هرچند به این قوانین عمل نشد، اما عزم جدی برنامه‌های اقتصادی برای تجهیز منابع مالی مورد نیاز بخش کشاورزی، حقیقتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد.

کارخانه‌ای به نام زمین

یکی دیگر از مشکلاتی که در راستای بررسی دلایل عدم استقبال بخش کشاورزی و تأمین مالی کشاورزان می‌توان به آن استناد کرد، پایین بودن نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری است. در کشور ما نرخ‌های بهره بالا هستند و در عوض، بازگشت سرمایه به دلیل پایین بودن بهره‌وری پایین است و این امر منجر به کاهش خالص بازدهی در بخش کشاورزی و مقرون به صرفه نبودن سرمایه‌گذاری در این بخش خواهد شد. طبیعی است در نتیجه این اتفاق، رغبتی به کشاورزی در روستاها نباشد.

سهم اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی

شهری	روستایی			سال
	خدمات	صنعت	کشاورزی	
کشاورزی	۲۱/۳	۲۶/۰	۵۲/۷	۱۳۸۰
صنعت	۲۵/۳	۲۵/۸	۴۸/۹	۱۳۸۱
خدمات	۲۴/۲	۲۴/۸	۴۹/۸	۱۳۸۲
صنعت	۲۴/۲	۲۴/۷	۵۱/۱	۱۳۸۳
خدمات	۱۸/۴	۲۴/۳	۵۷/۲	۱۳۸۴
صنعت	۱۸/۹	۲۶/۶	۵۴/۵	۱۳۸۵

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از مرکز آمار ایران

تأمین مالی بخش کشاورزی، به معنای ایجاد رفاه و کاهش ریسک‌های مالی تولید در این بخش است که از ضروریات اقتصادی کشورمان محسوب می‌شود.

پس از وقوع انقلاب صنعتی، توسعه بخش کشاورزی نیز منوط به بهره‌برداری از امکانات مدرن و صنعتی خشکسالی‌های گاه و بیگاه منطقه و جهان، تردیدهایی را از قابل اتکا بودن بخش کشاورزی در ذهن القا کنند،



اما می‌توان با استفاده از روش‌های علمی و با تکیه بر دانش روز آبیاری، اتلاف منابع آبی را به حداقل رساند. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مبین این حقیقت است که متوسط سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از محصول ناخالص داخلی کشور طی سال‌های پیش از انقلاب ۷/۷ درصد و میانگین نرخ رشد سالانه ارزش افزوده این بخش ۵/۴ درصد بوده است که این رقم در سال ۷۶ به حدود ۱۵/۹ درصد ارتقا یافته است. مهمترین دلیل افزایش این رقم را باید در کاهش اتکای دولت به درآمدهای نفتی در نتیجه وقوع خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی جست و جو کرد. در سال ۷۶ متوسط سهم بخش کشاورزی به ۱۲/۶ درصد و میانگین رشد سالانه ارزش افزوده به ۴/۵ درصد رسید.

همین گزارش می‌افزاید که با وقوع خشکسالی

در سال ۷۸ ارزش افزوده بخش کشاورزی با ۷/۳ درصد کاهش مواجه شد. در برنامه اول توسعه اقتصادی کشور، ارزش افزوده بخش کشاورزی از رشد سالانه ۶/۴ درصدی برخوردار بود که این رقم در برنامه دوم توسعه با کاهش شدیدی مواجه گردید. در برنامه سوم توسعه نیز رشد سالانه بخش کشاورزی به ۴/۳ درصد و میانگین سهم ارزش افزوده آن در محصول ناخالص داخلی به ۱۳/۹ درصد بالغ گردید.

در این بخش شد. امروزه در کشور ما به دلیل کمبود سرمایه و انحراف برنامه‌هایی که در رابطه با توسعه صنعتی بخش کشاورزی تدوین شده بودند، هنوز بخش کشاورزی ایران در باتلاق سنت گرفتار است. متأسفانه گاهی نسبت به این حقیقت که مزیت‌های موجود در بخش کشاورزی ایران در جهان بی‌نظیر هستند دچار تردید می‌شویم. اگر بدانیم کشاورزی ایران بر خلاف نفت، درآمد سرشاری است که بی‌منتهاست، می‌توان بر این بخش تمرکز بیشتری داشت. ۳۷ میلیون هکتار اراضی مستعد کشاورزی و در حدود ۱۰۲/۴ میلیون هکتار جنگل و مرتع به اضافه ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال شوخی نیستند. کشور ما توانایی استفاده از شرایط اقلیمی چهار فصل را دارا است و این امر به معنای اتکا به ظرفیتی پایان‌ناپذیر است. شاید

تغییرات ترکیب جمعیت بخش کشاورزی (شهری و روستایی)

سال	جمعیت روستایی	افزایش دوره	متوسط رشد سالانه	جمعیت شهری	افزایش دوره	متوسط رشد سالانه
۱۳۵۵	۱۷,۸۵۴,۶۴	۱۱/۶	۱/۱۱	۱۵,۸۵۴,۶۸۰	۶۱/۹	۴/۹۳
۱۳۶۵	۲۲,۶۰۰,۴۴۹	۱۶/۶	۲/۳۲	۲۶,۸۴۴,۵۶۱	۶۹/۳	۵/۴۱
۱۳۷۰	۲۴,۰۰۰,۵۶۵	۶/۲	۱/۲۱	۳۱,۸۳۶,۵۹۸	۱۸/۶	۳/۴۷
۱۳۷۵	۲۳,۲۳۷,۶۹۹	-۳/۲	-۱/۶۴	۳۶,۸۱۷,۷۸۹	۱۵/۶	۲/۹۵
۱۳۸۵	۲۲,۲۳۵,۸۱۸	-۴/۳	-۱/۴۴	۴۸,۲۵۹,۹۶۴	۳۱/۱	۲/۷۴

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از مرکز آمار ایران



همچنین مواد مورد نیاز این بخش از جمله ماشین‌آلات، کود، بذر و فناوری‌های تولید خواهد انجامید و حتی لازم خواهد بود یارانه‌هایی که به بخش کشاورزی اختصاص می‌یابند در برنامه پنجم مورد تجدید نظر قرار گیرند.

کشور ما باید در شرایط کنونی توجه اصلی خود را به بازار محصولات کشاورزی از تولید در مزرعه تا بازارهای جهانی معطوف نماید. عمل به تعهدات قانونی تأمین مالی پروژه‌های تولید کشاورزی در حد ابتدایی تا صنعتی بزرگ، تحریک بخش خفته و پتانسیل‌های کشاورزی در کشور، حمایت از کشاورز از طریق جلوگیری از واردات کالاهای غیرضروری و عطف به واردات کالاهای مورد نیاز توسعه بخش کشاورزی، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه زیرساخت‌ها در بخش کشاورزی از جمله در بحث حمل و نقل، زمین و آب، پرداخت یارانه به صادرات و بازاریابی‌های جهانی و تشویق و ترغیب کشاورزان به بازگشت به زمین و تکاپو در بخش کشاورزی از جمله وظایف ارکان تصمیم‌گیر در توسعه اقتصاد بخش کشاورزی در کشور هستند.

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، به ازای هر یک درصد افزایش در ارزش افزوده بخش کشاورزی، ۰/۱۳ درصد رشد اقتصادی و به ازای هر یک درصد افزایش در سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در حدود ۰/۱۵ درصد رشد محصول ناخالص داخلی و ۰/۸ درصد رشد تولید محقق می‌شوند. بر این اساس و با توجه به نقش عمده‌ای که کشاورزی در سال‌های متمادی در تولید و اشتغال در اقتصاد کشور داشته است، لازم است تا دولت با تعریف شرایطی همچون معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های تولید، یارانه‌های تشویقی تولید، آموزش، کمک به بازاریابی داخلی و خارجی، کمک به توسعه صنعتی کشاورزی و مکانیزاسیون کشاورزی، شرایط را به بهترین وجه برای رشد دوباره این بخش فراهم آورد. ■

بخش کشاورزی، تنها پرداخت وام از منابع محدود بانکی کافی نیست و در کنار آن، توجه به افزایش بهره‌برداری مهم است. در این راستا، توجه به ارتقای بهره‌برداری و حمایت از بهره‌برداران تولید ضروری است. این امر می‌تواند با حمایت از روش‌هایی صورت گیرد که در جهت ارتقای بازدهی زمین و امکانات تولید مفید هستند. ضرورت آموزش کشاورزان در این مرحله بیش از هر چیز حس می‌شود. در غیر این صورت، زمینه‌های انحراف منابع سرمایه‌ای (اعم از منابع انسانی و طبیعی) و معضلات برنامه‌ریزی در خصوص اعتبارات و تسهیلات بانکی، باعث استفاده غیر بهینه از منابع و نهایتاً بحران‌های اقتصادی و بیکاری را فراهم خواهد ساخت. در عین حال، این نکته را باید در نظر داشت که در سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی و هدایت اقتصاد جامعه به سوی افزایش تولید و روند توسعه، به موازات هزینه شدن اعتبارات مصوب، استفاده از ابزارهای پولی و بانکی جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.

بحران جهانی در جهان دهقانی

موارد پیش‌گفته در بخش کشاورزی در کنار تحریم‌های بین‌المللی ایران که به افزایش قیمت تمام‌شده برخی کالاهای سرمایه‌ای و تکنولوژی تولید انجامیده است، با ظهور بحران جهانی منجر به نگرانی از تشدید مشکلات در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی شده است. اولین نشانه بروز بحران در کشور، با توجه به آن چه در مبحث تأمین سرمایه هم گفتیم، کاهش نقدینگی و سرمایه بخش دولتی است. با آفت درآمدهای نفتی، اعتبارات بودجه‌ای دولت بیش از گذشته کاهش می‌یابند. نتیجه این امر، حرکت نظام بانکی و تولیدی - به خصوص بخش فقیر کشاورزی - به سمت استفاده از منابع محدود مردمی است. به این امر نیز دقت کنید که ۳۶ درصد از صادرات غیرنفتی ما به صادرات محصولات کشاورزی اختصاص دارد و از این

حیث، ارتباط پایین ما با کشورهای دیگر جهان - به هر دلیلی اعم از بحران یا تحریم - به معنای نابودی این بخش است. هرچند در مقایسه با سایر بخش‌ها، بحران جهانی تأثیر کمتری بر اقتصاد کشاورزی خواهد داشت، اما نباید فراموش کنیم که بروز بحران مذکور در کشاورزی دنیا به افزایش قیمت محصولات کشاورزی و

روستایی، تولیدکننده‌های تنها است و نتیجه تولید او در کارگاهی به نام زمین، باید بتواند هزینه‌هایی نظیر هزینه کارگر، زمین، تکنولوژی، آب، بذر، نگهداری، کاشت، داشت و برداشت، نقل و انتقال، تحمل ریسک خطرات کشاورزی نظیر آفات و خشکسالی، هزینه بازپرداخت وام از منابع رسمی و غیر رسمی و هزینه‌های زندگی کشاورز را تأمین کند. این وضعیت با توجه به این نکته که این کارگاه در تمام روزها و ماه‌های سال مشغول به تولید و درآمدزایی نیست، بیشتر خودنمایی می‌کند. به این دلیل که کشاورز در بسیاری از روزها و ماه‌های سال بیکار است و از اندوخته ارتقا می‌کند.

اشکال دیگر بخش کشاورزی ایران را باید در نقشی که دلال‌ها در افزایش قیمت محصولات دارند جست‌وجو کرد. بسیاری از محصولات کشاورزی به قیمتی ناچیز از کشاورز خریداری می‌شوند و این امر با توجه به ناتوانی کشاورز در عرضه مستقیم محصول به بازار، باعث سودبری‌های کلان دلالانی شده که نقشی در تولید ندارند و تنها در افزایش قیمت‌ها دخیل هستند. برخی نهاده‌های تولید هم در انحصار برخی فروشندگان قرار دارند که در نتیجه غیرقابلی بودن فروش، قیمت خرید این نهاده‌ها معقول نیستند.

زراعت در کشور در دوره‌های متفاوت

نوع محصول	معیار	۷۰-۷۱	۷۵-۷۶	۸۰-۸۱	۸۴-۸۵	۸۵-۸۶
گندم	سطح زیر کشت (هکتار)	۶,۶۳۹,۵۷۷	۶,۲۹۸,۹۹۵	۶,۲۴۰,۸۲۸	۶,۸۷۸,۹۱۸	۷,۲۲۳,۳۱۱
	تولید (تن)	۱۰,۱۷۸,۶۷۹	۱۰,۴۴۳,۷۱۵	۱۲,۴۵۰,۲۴۱	۱۴,۶۶۳,۷۲۵	۱۵,۸۱۶,۶۰۹
جو	سطح زیر کشت (هکتار)	۲,۰۸۵,۱۶۲	۱,۵۰۱,۴۸۶	۱,۶۷۰,۳۶۶	۱,۵۶۷,۴۵۴	۱,۶۴۱,۸۲۹
	تولید (تن)	۳,۰۶۴,۹۹۳	۲,۴۹۸,۵۵۶	۳,۰۸۴,۶۵۹	۲,۹۵۶,۳۱۱	۳,۱۰۳,۹۸۱
نخود	سطح زیر کشت (هکتار)	۶۷۹,۲۹۲	۶۸۳,۵۶۳	۷۱۲,۹۸۱	۶۰۲,۵۵۷	۵۹۷,۵۳۵
	تولید (تن)	۳۱۳,۷۹۲	۲۶۶,۹۷۴	۳۰۱,۸۷۶	۳۲۴,۷۸۶	۳۲۸,۵۸۲
شلوک	سطح زیر کشت (هکتار)	۵۹۶,۴۰۰	۵۶۳,۲۱۱	۶۱۱,۲۴۰	۶۳۰,۵۶۲	۶۱۵,۹۱۰
	تولید (تن)	۲,۳۶۰,۱۳۸	۲۳۵,۱۲۴	۲,۸۸۷,۵۴۱	۲,۶۱۲,۱۷۴	۲,۶۶۴,۳۳۷

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از جهاد کشاورزی

بازار هم پُر است از محصولات مشابه خارجی که وارد کشور شده‌اند و در برخی موارد، درد سرهایی را نظیر برنامه برنج‌های آلوده وارداتی با خود به همراه دارند.

همانطور که گفتیم برای افزایش بازدهی در تولید